

# حمورابی، پادشاه بابل

• حسین شیخ

به قلم پرونسان شیل (P.Scheil) در گزارش‌های هیأت فرانسوی در ایران در سال ۱۹۰۲ به چاپ رسید. با انتشار این ترجمه روز به روز بر شهرت حمورابی افزوده می‌شد و نوشته‌های فراوانی درباره او و قانون‌نامه‌اش به زبان‌های مختلف منتشر می‌شد.<sup>۱</sup> اما باز آگاهی و اخبار درباره حمورابی بسیار کم بود.

این نقص با کشف اسناد «ماری» برطرف شد و آگاهی از حوادث دوره حمورابی دچار تحول عظیمی گردید، و متعاقب آن از شهرت حمورابی کاسته شد.<sup>۲</sup> چرا که برخلاف تصورات اولیه او در شانزده سال نخست سلطنتش صاحب سرزمینی کوچک بود و زیر سایه پادشاه بزرگ بین‌النهرین شمالی، شمش‌آدد بود<sup>۳</sup> و در تنها ده سال آخر حکومت ۴۳ ساله‌اش صاحب قلمرو وسیعی شد. گرچه این قلمرو نیز به آن بزرگی که پنداشته می‌شد نبوده است.

با این‌همه، حمورابی یکی از پادشاهان خوش اقبال بین‌النهرین باستان است که اسناد فراوانی درباره زندگی و حوادث زمانه او به دست ما رسیده است. کتاب حمورابی، پادشاه بابل نخستین کتاب به زبان انگلیسی است که به کمک این اسناد و به طور مشروح به زندگی و حوادث زمان این پادشاه می‌پردازد.<sup>۴</sup>

کتاب شامل یازده فصل است. فصل اول درباره سال‌های آغازین حکومت حمورابی است. در این فصل، نخست اوضاع و احوال بین‌النهرین در اواخر سده نوزدهم و سده هجدهم پیش از میلاد بررسی می‌شود. اسناد موجود نشان می‌دهد که حمورابی در بیست و هشت سال اول حکومت ۴۳ ساله‌اش می‌کوشید تا چهره مثبتی از خود در داخل قلمرواش نشان دهد و به همین منظور فرامینی دایر بر لغو دیون را صادر می‌کند.<sup>۵</sup>

فصل دوم به شکست و عقب‌نشینی عیلام از صحنه سیاسی بین‌النهرین می‌پردازد. با مرگ شمش‌آدد، دوباره اوضاع سیاسی بین‌النهرین به دوران پیش از حکومت او برگشت و دولت - شهرهای متعدد سربرآوردند و به منازعه با هم پرداختند. در این میان، حمورابی می‌کوشید تا با کمک ماری و عیلام، اشنونا را فتح کند. اما عیلام که قدرتی حاشیه‌ای، اما نیرومند بود ماری و بابل را نه همدست که زیردست خود می‌شناخت و کوشید آن دو



- King Hammurabi of Babylon
- Marc Van De Mierop\*
- Oxford Blackwell, 2005. xii + 171pp

در دسامبر ۱۹۰۱ و ژانویه ۱۹۰۲ در حفاری‌هایی که هیأت فرانسوی انجام می‌داد، تخته سنگ بزرگی از دیوریت سیاه به ارتفاع ۲ متر و ۳۵ سانتیمتر در نزدیکی معبد این شوشیناک کشف گردید که پس از خواندن معلوم شد متعلق به حمورابی، پادشاه بابل است و محتوای آن قانون‌نامه‌ای شامل یک پیشگفتار، ۲۸۲ بند قوانین و مؤخره است.

این سنگ‌نبشته جزو غنایمی بود که در سده ۱۲ پیش از میلاد پس از تسخیر جنوب بین‌النهرین توسط شوتوک ناخوشته اول، پادشاه شوش آورده شد. متعاقباً نخستین ترجمه این قانون‌نامه

اسناد موجود نشان می‌دهد که حمورابی در بیست و هشت سال اول حکومت ۴۳ ساله‌اش می‌کوشید تا چهره مثبتی از خود در داخل قلمرواش نشان دهد و به همین منظور فرامینی دایر بر لغو دیون را صادر می‌کند

تاریخ‌نویس معاصر در هنگام نوشتن زندگی حمورابی به شکاف‌های بسیاری برخورد می‌کند. از این رو تصویری که از او ارائه می‌شود تصویری پاره‌پاره است

می‌پردازد.

شهر «هیت» برانگیزاننده اختلاف میان ماری و بابل بود. این شهر مرزی به علت داشتن قیر طبیعی برای عایق کردن قایق‌ها مورد نیاز بابل بود. از سوی دیگر ماری به دلیل این که مراسم اوردالی<sup>۶</sup> در این شهر انجام می‌شد به آن‌جا توجه داشت. کشمکش بر سر این شهر و دخالت ماری در امور شمال بین‌النهرین باعث شد حمورابی این متحد پیشین و مزاحم جدید را از سر راه بردارد. شهر ماری پس از تصرف، ویران شد.<sup>۷</sup>

فصل هفت درباره چگونگی اداره دولت جدیدی است که حمورابی به وجود آورده بود. در این فصل نخست به پراکندگی جمعیتی و قومی کشور اشاره شده و سپس از اندیشه پادشاه کامل در بین‌النهرین سخن به میان می‌آید و در ادامه با عنایت نامه‌های حمورابی به کارکنانش در لارسا به نحوه اداره کشور توسط حمورابی پرداخته می‌شود. اسناد نشان می‌دهند که حمورابی حتی به امور بسیار جزئی نیز رسیدگی می‌کرد و در مورد آن‌ها فرمان صادر می‌نمود. نویسنده برخلاف تصور عمومی محققان که حمورابی را فردی خود رأی و مستبد می‌دانند، او را نمونه‌ای از پادشاه آرمانی در بین‌النهرین می‌داند، چرا که پادشاه می‌بایست از تمام امور باخبر و بر اجرای صحیح آن‌ها ناظر بود.<sup>۸</sup>

در فصل هشت به بررسی قانون نامه‌ای که شهرت حمورابی مدیون آن است پرداخته می‌شود. در این فصل نویسنده مواد قانون نامه را در ده گروه دسته‌بندی می‌کند و به ساختار آن می‌پردازد.<sup>۹</sup> در پایان فصل نویسنده چنین نتیجه می‌گیرد که حمورابی پادشاه عدالت است؛ عنوانی که او مکرراً از آن در مقدمه قانون نامه‌اش استفاده می‌کند.

فصل نهم با این پرسش آغاز می‌شود که حمورابی چگونه آدمی بوده است؟ نویسنده از خلال نامه‌هایی که درباره حمورابی یا از او به جا مانده است به این پرسش پاسخ می‌دهد.

او بر این باور است که ارائه تصویری کامل از شخصیت حمورابی به دلیل ماهیت منابع ممکن نیست، مثلاً ما نمی‌دانیم او کی به دنیا آمده است، چند فرزند و همسر داشته است و

را علیه یکدیگر تحریک کند. اما حمورابی با آگاه شدن از اقدام عیلام، به همراه ماری و دیگر فرمانروایان، عیلام را شکست داد و از سوی دیگر به علت شورش‌های داخلی عیلام مجبور به عقب‌نشینی شد. و از آن پس در طول دوران حمورابی، او در امور بین‌النهرین تأثیر به‌سزایی نداشت و حاشیه‌نشین بود.

فصل سوم درباره فتح لارسا است. «لارسا» در جنوبی‌ترین قسمت بین‌النهرین قرار داشت و با تصرف قلمرو پادشاهی «ایسین» مرز آن با بابل بسیار گسترده‌تر شده بود. عدم یاری به بابل در جنگ با عیلام، بهانه دست حمورابی داد تا در جهت اجرای برنامه توسعه‌طلبانه‌اش این شهر را نیز به متصرفاتش اضافه کند. حمورابی برای جلب حمایت مردم لارسا، طی فرمانی دیون را لغو کرد. فتح لارسا باعث شد تا دولت شهرها برای همیشه در جنوب برچیده شوند و آن‌جا برای همیشه یکپارچه شود.

بعد از لارسا، نوبت «اشنونا» بود. فصل چهارم کتاب، درباره سقوط اشنونا است. حمورابی پس از فتح اشنونا به جای برگزیدن فرماندار یا فردی از خانواده سلطنتی اشنونا، به سربازان اجازه داد خود پادشاه را برگزینند. اما برگزیده سربازان علیه حمورابی دست به اقدام زد. از این رو حمورابی دوباره اشنونا را فتح کرد اما آن‌جا نماند و برای راهیابی به فرات به سمت شمال رفت. نتیجه فتح اشنونا، باز شدن راه نفوذ حمورابی به شمال بین‌النهرین بود.

در فصل پنجم از تقویم حمورابی در شمال بین‌النهرین صحبت می‌شود. نویسنده در این فصل اوضاع بین‌النهرین شمالی را پس از مرگ شمشی آدد بررسی می‌کند و سپس به لشکرکشی‌های حمورابی به شمال توجه دارد. حمورابی در کتیبه‌هایش مدعی است که شمال را در سال‌های حکومتش زیر سیطره گرفته است.

فصل شش به چگونگی سقوط و غارت ماری اختصاص دارد. ماری متحد خوب و مقتدر بابل بود زیرا هر دو می‌خواستند قدرت‌های دیگر را از صحنه سیاسی کنار بزنند و همین مسئله روابط آن‌ها را شکننده می‌کرد. نویسنده پس از تشریح موقعیت ماری و معرفی پادشاه آن، زیمری لیم، به اختلاف میان دو دولت

دریابیم که اعمال حمورابی بزرگ بود از این رو به درستی نام او را در یادها حفظ کرده است.»<sup>۱۱</sup>  
 کتاب با وجود حجم کم امتیازات زیادی دارد که از میان آن‌ها می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:  
 (۱) تکیه بر اسناد دوران حیات و حکومت حمورابی و نقل قول‌های فراوان از اسناد که می‌تواند خواننده امروزی را با شیوه مکاتبه در آن دوران آشنا کند.  
 (۲) ایجاز در ارائه مطالب و پرهیز از حاشیه روی.  
 (۳) بی‌طرفی در ارائه مطالب و پرهیز از پیش داوری‌های نادرست.

(۴) ارائه مطالب به صورت سال‌شمار که درک مطالب و پیگیری آن‌ها را آسان می‌کند  
 (۵) وجود واژه نامه‌ای در پایان کتاب که واژگان و نام‌های بین‌النهرینی ذکر شده در کتاب را شرح می‌دهد  
 (۶) ارائه بخشی به نام «برای مطالعه بیشتر»، حاوی فهرستی از منابع برای مطالعه بیشتر.  
 این ویژگی‌ها باعث شده کتاب برای گروه زیادی از خوانندگان سودمند باشد.

پی‌نوشت:

\* مارک فان دی میروپ، استاد تاریخ خاور نزدیک باستان در دانشگاه کلمبیای نیویورک و صاحب مقالات و کتاب‌های متعددی است که جدیدترین آنها تاریخ خاور نزدیک باستان (۲۰۰۴) است. از دیگر آثار او می‌توان به شهر در بین‌النهرین باستان (۱۹۹۷) و متون خط میخی و نوشتن تاریخ (۱۹۹۱) اشاره کرد.

۱- برای نمونه می‌توان از شرح دو جلدی دربور و مایلز نام برد که شرح مفصل حقوقی قانون‌نامه است و در اواسط سده بیستم تألیف شده است:

G. R. Diver and Sir J. C. Miles, the -

Babylonianlaws 2 vol, Oxford, 1952 -1955

از قانون‌نامه دو ترجمه به فارسی وجود دارد.

• قانون‌نامه حمورابی، ترجمه کامیار عبدی، سازمان میراث فرهنگی کشور، تهران، ۱۳۷۶ (ویراست دوم).

• مجیدزاده، یوسف. تاریخ و تمدن بین‌النهرین، ج ۲، مرکز نشر دانشگاهی، تهران، ۱۳۷۹، صص ۳۹۹ - ۳۷۹.

۲- مجیدزاده، یوسف. تاریخ و تمدن بین‌النهرین، ج ۱، مرکز نشر دانشگاهی، تهران، ۱۳۷۶، صص ۱۳۵

۳- درباره شمش‌ی ادد بنگرید به:

- مجیدزاده، پیشین، ج ۱، صص ۱۵۱-۱۴۷ همچنین؛

- P. Vallard , «Shamshi – Adad and Sons: The

Riseand fall of an Upper Mesopotamian Empire», inj.

نویسنده برخلاف تصور  
 عمومی محققان که  
 حمورابی را فردی خود  
 رأی و مستبد می‌دانند،  
 او را نمونه‌اعلای  
 پادشاه آرمانی در  
 بین‌النهرین می‌داند

سؤالاتی از این دست. در این فصل همچنین به سال‌های پایانی پادشاهی حمورابی اشاره می‌شود. به نظر نویسنده چنین می‌نماید که او در اواخر پادشاهی‌اش مریض احوال بوده و پس از ۴۳ سال حکومت در سال ۱۷۵۰ پ. م به نفع پسرش کناره‌گیری کرده است.<sup>۱۲</sup>

فصل دهم درباره میراث حمورابی است. در این فصل به شهرت حمورابی پس از مرگش اشاره می‌شود. در جهان باستان تا زمان منسوخ شدن خط میخی، حمورابی فردی شناخته شده و مشهور بود. اما پس از آن تا آغاز حفاری‌های باستانشناسی در عراق طی اواسط سده نودم میلادی او گمنام بود. با به دست آمدن برخی کتیبه‌ها مربوط به او نامش دوباره زنده شد اما نقطه عطف این شناخت کشف قانون‌نامه اوست که باعث شهرت عالمگیر حمورابی گردید تا جایی که در سال ۱۹۴۹ کنگره آمریکا تصویر او را در میان ۲۳ نفری که نقش اساسی در اصول اساسی قانون آمریکا داشتند، قرار داد.

در فصل یازدهم و پایانی کتاب، فان دی میروپ بر آن است که تاریخ‌نویس معاصر در هنگام نوشتن زندگی حمورابی به شکاف‌های بسیاری برخورد می‌کند. از این رو تصویری که از او ارائه می‌شود تصویری پاره‌پاره است.

او در ادامه پس از بررسی ماهیت منابع، به انواع منابع در نوشتن زندگی‌نامه حمورابی می‌پردازد که عبارتند از:

۱- اسناد ماری که حاوی مکاتبات کارگزاران زیمیری لیم یا اوست. اگر چه حمورابی نامه‌های او به زیمیری لیم و بالعکس را به بابل منتقل کرد اما باز هم نامه‌های بازمانده شامل مطالبی است که آگاهی‌های بسیاری درباره حمورابی به ما می‌دهد.

۲- نامه‌های حمورابی به کارگزارانش به ویژه در لارسا.

۳- سالنامه‌های حمورابی که درباره حوادث مهم پادشاهی او در طول هر سال است و همه آن‌ها اینک موجود است.

۴- نامه‌هایی که در زمان حمورابی درباره امور اقتصادی، تجاری، ارضی و غیره نوشته شده است.

۵- کتیبه‌های حمورابی به ویژه قانون‌نامه او.

در پایان فصل، مؤلف می‌نویسد: «به روشنی می‌توانیم

نویسنده چنین نتیجه  
می‌گیرد که حمورابی  
پادشاه عدالت است؛  
عنوانی که او مکرراً  
از آن در مقدمه قانون  
نامه‌اش استفاده  
می‌کند

فریمر - کنسکی، صص ۲۹۲ - ۲۸۴

۷- ویرانه‌های ماری در اواسط سده بیستم توسط باستانشناسان فرانسوی از زیر خاک بیرون آورده شد و همین باعث شد تا مدارک فراوانی دربارهٔ اوضاع سیاسی، اقتصادی منطقه به دست آید. دربارهٔ ماری بنگرید به:

-J. C. Margueron, Mari: A Portrait in Art of a Mesopotamian City-State, in J. Sasson (ed), *ibid*, pp. 885-900

-A. Kuhrt, *ibid*, pp. 95 - 107

مجیدزاده، پیشین، ج ۱، صص ۱۵۶ - ۱۵۳

۸- توصیف مناسب و کاملی از شخصیت حمورابی به زبان فارسی را می‌توان در کتاب مجیدزاده، ج ۱، ص ۱۳۷ دید. دربارهٔ پادشاه آرمانی و اندیشه پادشاهی در بین‌النهرین بنگرید به:

• پیرویان، ویلیام. سیر تحول اندیشه سیاسی در شرق باستان، تهران، سمت، ۱۳۸۱، صص ۱۲۸ - ۸۳

• رجایی، فرهنگ. تحول اندیشه سیاسی در شرق باستان، تهران، قومس، ۱۳۷۲، صص ۵۰ - ۳۹ و مجیدزاده، پیشین، ج ۲، صص ۱۵۳ - ۱۵۰

• J. N. Postgate, «Royal Ideology and State Administration in Sumer and Akkad», in J. Sasson, *ibid*, Vol. I, pp. 383 - 394

۹- بحث بر سر ماهیت قانون نامهٔ حمورابی، بحثی است طولانی و پر دامنه که هنوز هم ادامه دارد و میان بحث‌کنندگان نیز اختلاف همچنان باقی است که آیا این قوانین با توجه به موردی بودن آن قوانین فراگیری بودند یا نه؟ در این باره بنگرید به بخش دوم کتاب آغاز قانون‌گذاری (تاریخ حقوق بین‌النهرین باستان) به کوشش حسین بادامچی، تهران، طرح نو، ۱۳۸۲، مقالات ژان بوترو ریمنوند و ست بروک و مارتا رات

۱۰- باید یادآوری کرد همان‌گونه که نویسنده در ص ۱۴۴ آورده، سندی که نویسنده از آن چنین نتیجه‌ای گرفته، ناقص است و بر سر تفسیر آن میان دانشمندان اختلاف وجود دارد.

۱۱- کتاب حاضر، ص ۱۴۵

Sasson (ed) *Civilizations of the Ancient Near East*, vol. II, New York 1995, pp. 873 - 884

۴- دو کتاب دیگر به زبان‌های آلمانی و فرانسوی وجود دارد که به این صورت - یعنی با استفاده از همهٔ منابع موجود به ویژه اسناد مادی - نوشته شده است:

1. H. Klengel, *König Hammurapi und der Alltag Babylons* Dusseldorf/ Zurich, Artemis und Winkler, 1999

2. D. Charpin, *Hammurabi - roi de Babylone*, Paris Presses Universitaires de France, 2003

همچنین می‌توان به آثار زیر رجوع کرد:

J. Sasson, «King - Hammurabi of Babylon», in J. Sasson (ed) *Civilizations of Ancient Near East*, Vol II, New York, 1995, pp. 901 - 916

A. Kuhrt, *Ancient Near East*, London, 1995, pp 108 - 117

از میان کتاب‌های فارسی نیز می‌توان به اثر ذیل رجوع کرد:

- مجیدزاده، پیشین، ج ۱، صص ۱۳۸ - ۱۳۲

۵- صدور فرمان دایر بر لغو دیون، سنتی رایج در بین‌النهرین بود که پیش از حمورابی وجود داشت و پس از او نیز ادامه یافت. برای نمونه می‌توان از فرمان امی صدوق (۱۶۲۶ - ۱۶۴۶) نام برد. البته باید یادآور شد همان‌گونه که نویسنده متذکر گردیده این فرمان‌ها بیشتر مربوط به بخشش مالیات و قرض‌هایی بود که از دربار دریافت و دیونی را که جهت انجام تجارت وجود داشت شامل نمی‌شد. کتاب حاضر، (ص ۱۱)

۶- آوردن آبی یعنی توسل به قضاوت الهی، برای تصمیم‌گیری در خصوص پرونده‌هایی است که از راه دیگری قابل حل و فصل نیست و نمی‌توان آن‌ها را حل نشده باقی گذاشت. یک فرد به طور قانونی در معرض آزمایش جسمانی قرار می‌گیرد و بر اساس پاسخ بدنی او به آزمایش برنده یا بازنده تلقی می‌شود. چنین محاکماتی در تمام تمدن‌های بزرگ تاریخی - به استثنای مصر و چین - رایج و متداول بود.

محاکمه از طریق آوردن آبی به گونه‌های بسیاری وجود داشت.

متداول‌ترین آن‌ها عبارت بود از فرو رفتن در آب، نوشیدن معجون‌های متنوع، تماس حاصل کردن با آوردن آبی‌های گرم که در آن شخص باید شیء خاصی را از مایع جوشان بگیرد، شیء گداخته‌ای را لمس کند، لیس بزند یا روی آن راه برود و یا مسافتی خاص آن را حمل کند (به نقل از تاریخ حقوق کیفری بین‌النهرین، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی و حسین بادامچی، تهران، سمت، ۱۳۸۳، صص ۲۸۵ - ۲۸۴).

برای تفصیل دربارهٔ آوردن آبی بنگرید به کتاب ذکر شده در بالا و به مقاله «آوردن آبی رودخانه در بین‌النهرین باستان» نوشته گیوم کارداشیا، صص ۲۸۳ - ۲۵۴ و «آوردن آبی»، نوشته تیکو